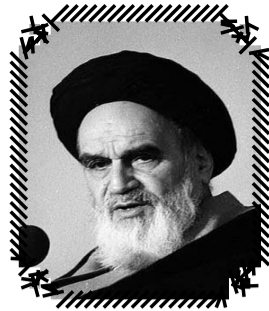


# منصفین



باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است، چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد. شما در جنگ خمینی نشان دادید که با مدیریت صحیح و خوب می توان اسلام را فاتح جهان نمود. شما باید بدانید که کارتان به پایان نرسیده، انقلاب اسلامی در جهان نیازمند فداکارهای شماست.  
پیام امام خمینی «ره» به مناسبت تشکیل بسیج مستضعفان

نشریه مستقل دانشجویی، سیاسی فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... سال هفتم / شماره ۴۲ / هفته اول آذر ماه ۱۳۹۴ / قیمت: ۲۰۰ تومان + بلخند و تفکر

## سر مقاله

### و اما اگر مکتب اثبات شود...

### مسئول مورد نظر در دسترس نهی باشد!!!



اوائل مهر خوابگاه هفت تیر...

باشگاه مجموعه آفتاب خوابگاه هفت تیر پر بود از دانشجویانی که متقاضی خوابگاه بودند. اوضاع به هم ریخته است و همه منتظرند که خوابگاه به آنها تعلق بگیرد اما تا اتمام ثبت نام ورودی ها باید صبر میکردند. هر روز عده ای جلو سربستی تجمع میکنند تا هم خبر بگیرند و هم موضوعشان را با مسؤل خوابگاه در میان بگذارند. خبر ها حاکی از آن بود که بعضی از دانشجویان خوابگاه ملکی گرفته اند...

اما چطور؟؟؟ چرا پس هنوز بساطشان کنار بقیه است؟؟؟

چند روز بعد کم کم ورودی های ۹۲ خوابگاه ملکی گرفتند.

بعضی ها میگویند تعدادی از افراد سنواتی هم خوابگاه گرفته اند.

ولی مگر میشود؟؟؟

بین بچه ها سوالاتی از این دست مطرح است و مدخلی میشود برای تراوش سوالات دیگر. به همین دلیل تصمیم میگیرم بین دانشجویان بروم و سوالاتشان را بپرسم تا در فرصتی مناسب با یک مسؤل در میان بگذارم. سوالات زیاد میشوند بنابراین آنها را تقسیم بندی و مهم ترینها را انتخاب میکنم.

اما این سوالات را از چه کسی باید پرسید؟؟؟

هر کسی باشد قبلش باید وقت بگیرم !!!

اینکه مشخص است سوالات را باید از یک کارشناس امور دانشجویی بپرسم. چند وقت بعد امور دانشجویی ...

پروسه وقت گیری از مسؤل شروع میشود!!!!

از پله های امور دانشجویی بالا میروم افراد زیادی جلوی اتاق مسؤل خوابگاهها جمع شده اند. من

بگذارید از جایی شروع کنم که مکتبمان (اسلام محمدی ص) از آنجا شروع شد، از همان جایی که معدود بودند مسلمانان ولی هرکدامشان به معنای واقعی کلمه اسلام شناس بودند، از همان جایی که هرکه مسلمان می شد میدانست دارد پا به صراطی میگذارد که او را از منجلا ب دنیوی به سعادت دنیوی اخروی میبرد. چون میدانست، شکنجه را تاب می آورد؛ چون اسلام شناس شده بود برای مکتبش میجنگید. چون بسط بساط عدالت را درک کرده بود، چون مدینه فاضله اش را درک کرده بود، برای ساختنش به شکنجه که هیچ، خون به عنوان بها میپرداخت. و این همه اش به آن علت اتفاق افتاده بود که اسلام را به او تحمیل نکرده بودند، به این علت بود که کسانی در آن جامعه گفتمان در سطح فهم عموم را تبلیغ کرده بودند و کسی که پا به این راه میگذاشت به خاطر فهم آن مقداری از دین بود که آن را درک کرده بود و مصداقا چون عطر و بوی عدالت به مذاقش خوش آمده بود و چون به آن سطح از درک رسیده بود که دین همه اش دین است، سختی جهاد را به جان میخرید همان گونه که امت خمینی(ره) پذیرفتند، همان گونه که مدعیانش بعد از گذشت سالها هنوز ایستاده اند چون مکتب برایشان اثبات شده بود، چون مجاهدانی برای گفتمان سازی مکتب از جانشان مایه گذاشته بودند و این فعل "بودند" واقعا "بودند" است. و اما بعد از آنها ما چه کردیم؟ اسلامان را کنسرو کردیم و در دکانمان را چارتاق باز گذاشته ایم و نشسته و مگس میپرانیم. بعضی وقتها هم که حوصله مان سر میرود یقه ی یکی دو نفر را میگیریم و به زور کنسرو میدهیم و خودمان را به کوچه ی علی چپ میزنیم که نینیم چطور کنسرومان را پس میزنند. بله... اسلام را میخواستیم به زور به خورد جامعه مان بدهیم و هی بر سر خود میزنیم که چرا فساد در جامعه مان آنقدر زیاد شده، حال که دستمان به فلان مفسد اقتصادی نمیروند، همه جور به جامعه مان میتازیم که چرا دو تا تار مو(دو تا که چه عرض کنم) از روسری یک خانمی بیرون مانده و چرا مانتوی فلان خانم چهار سانت از معیار های نمیدانم از کجا آمده ی ما بالاتر یا پایین تر است. و هرروز که میگذرد مشتریان این اسلام کنسرو شده ی ما کمتر میشوند که بیشتر نمیشوند و بالتبع ما فشارمان را بر جامعه بیشتر میکنیم و اصلا یک نگاهی هم به باز خورد رفتار درست یا اشتباهمان نمیکنیم و هی به خودمان تلقین میکنیم که ما فقط مامور به وظیفه ایم و مامور به نتیجه نیستیم؛ آخر چه کسی میتواند چنین حرفی بزند و به نظام حکمت و عدالت که سنت خداست ایمان داشته باشد. نکته این است که ما برای انجام وظیفه مان مجبور نیستیم هرکاری را که به فرمان رسید انجام دهیم، خیلی وقت ها امر به معروف نکردن از بد امر به معروف کردن اولی تر است. مصداقا اگر کسی که میخواهد درختی را هرس کند دانسته یا ندانسته این کار را اشتباه انجام دهد یعنی این کار او طبق اصول باغبانی نباشد. شاید این هرس کردن نتیجه ی عکس بدهد. شاید این عملی که از روی خیر خواهی انجام گرفته موجب خشک شدن درخت بشود. و جالبتر آن است که کور دلی ما به جایی رسیده که اصلا فساد های درباری دولتیان و مرفهان را نمیبینیم و به جای آنکه در برابر ظلم و بی عدالتی قد علم کنیم، مثل نابخردانی که فقط تا نوک بینیانشان را میبینند گیر داده ایم به تار مویی که از روسری خواهرانمان(به دلیل بی کاری و بد کاری فرهنگی ما)، سهوا بیرون مانده. کی و کجا ما در آن کنسرو را باز کردیم تا عطر آن اسلام محمدی جامعه مان را سرمست کند؟ کجا ما آمدیم مثل شهید آوینی، مثل شهید بهشتی و مطهری و خیلی های دیگر مکتب و هدف مکتبمان را در سطح عالی به گفتمان تبدیل کنیم.

به سمت اتاق آقای دکتر احسنی میروم...

در میزنم و وارد میشوم موضوع را که مطرح کردم میخوام که وقتی به من بدهند ...

میگویند با دکتر صحبت میکنند خبرش را بعدا باید بگیرم...

چند روز بعد... با دکتر صحبت کردید؟

-- دکتر اصلا الان وقت ملاقات ندارند چند روز دیگر بیایید...

با خودم میگویم اشکالی ندارد چند وقت دیگر دوباره می آیم...

یک هفته بعد... دکتر هنوز برنامه شان مشخص نیست و قتهای خالی شان را نوشته اند ...

هفته بعد... بروید با خانم جلالی صحبت کنید...

خانم جلالی سوالات را میبینند و میگویند که بهتر است از خود دکتر برسیده شوند...

چند وقت بعد... دکتر هنوز مشغول جابه جا کردن بچه ها و درگیر دادن اتاق به بچه ها هستند بروید آبان ماه بیایید.

هفتم - هشتم آبان... دکتر گفته اند مصاحبه نمیکنند!!!!

کم مانده بود شاخ دریاورم این همه رفت و آمد...

دیگر ناامید شدم فقط بپرسم خصوصاً چطور؟؟؟ حداقل جواب سولات رو به من بدهند؟؟؟

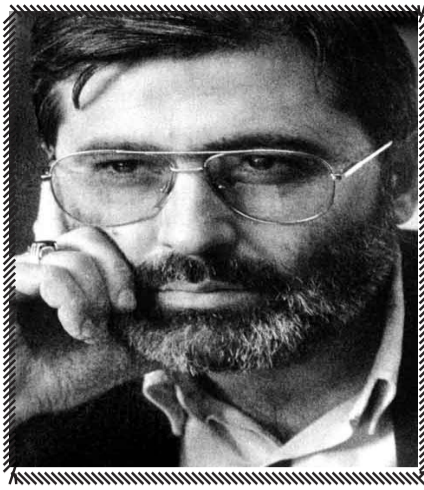
گفتند که با دکتر صحبت میکنند...

### نوش دارویی و بعد از مرگ ترم ها آمدی...



البته بنده به این عزیز مشروطی که به زعم من، علاوه بر دل اعضای دیگر شان نیز دچار سوختگی شده است، هر چه عرض کردم این دو مصرع بهم نمی خورند ولی در کتش نرفت که نرفت و در برابر فهمیدن این موضوع مقاومت و دلآوری های زیادی ابراز داشت. که بند را مجاب کرد از مرکب علم و ادبیات پیاده شده، بر خر شیطان ایشان سوار شوم. امیدوارم حق مطلب را ادا کرده باشد...

(در پی اقدام مرکز مشاوران برای مشاوره دوستان مشروطی) نوش دارویی و بعد از مرگ" ترم ها "آمدی... مشروطی های عزیز باز هم مورد عنایت دوستان مشاوره واقع شدید. نامتان را بر تارک دانشکده هاتان زده اند. چه سعادت... چه سعادت... اصلا هم به فکر مان خطور نمی کرد این گونه شما را یاری بدهند. چراغ خاموش، چراغ خاموش... می بینید به فکر سر خوردگی شما هستند. شما را فراموش نکرده اند. میخواهند مثل برنامه نود صحنه هسته مشروط شدنتان را نشان بدهند ببینید کجا خطا کرده اید. البته خوشحال می شوم پخش زنده نباشد. در این راستا یک دانشجو دل سوخته از آتش مشروطی از من خواست یک بیت شعر که از قضا از خودشان تراوش نمودند و راست کار این موضوع است خطاب به این مشاوران خسته دل بخوانم که آن بیت به شرح زیر است :  
آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا  
نوش دارویی و بعد از مرگ" ترم ها " آمدی



فحش اگر بدهند، آزادی بیان است! جواب اگر بدهی، بی فرهنگی!  
سوال اگر بکنند، آزاد اندیشند! سوال اگر بکنی، تفتیش عقاید است!  
تهمت اگر بزنند، در جستجوی حقیقتند! جواب اگر بدهی، دروغگویی!  
مسخره ات بکنند، انتقاد است! جواب اگر بدهی، بی جنبه ای!  
اگر تهدیدت کنند، دفاع کرده اند! اگر از عقایدت دفاع کنی، خشونت طلبی!  
«حزب الهی بودن را با همه تراژدی هایش دوست دارم»  
«شهید آوینی»

## کوروش، آسوده بخواب که ما بیداریم...

## دانشگاه، یا خط تولید انبوه بیکار!!!؟؟؟

در اردیبهشت ۹۱ بود که عبدالرضا شیخ الاسلامی به صراحت عنوان کرد که تعداد بیکاران لیسانس در کشور ده برابر زیر دیپلم هاست. این حرف یعنی این که در کشور ما بازار اشتغال به شکلی درآمدی است که هرچقدر فرد تحصیلات بالاتری داشته باشد، احتمال بیکار شدنش هم بالاتر می رود.

محمد فرهادی به مهر گفت: میانگین بیکاران در میان فارغ التحصیلان بالاتر از میانگین کشور است و دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری نیز در سال های آینده به تعداد بیکاران اضافه می شوند

یکی از عمده انتقاداتی که به نظام آموزش عالی کشور می شود، افزایش کمی دانشجویان بدون نگاه به ارتقای کیفیت آموزش عالی است. افزایش پذیرش دانشجویان در دانشگاه ها و من جمله در دانشگاه شاهرود در کنار خوبی هایش اثرات مخرب بسیاری در جامعه بر جای گذاشته است. این روند به قدری ادامه پیدا کرده که افزایش پذیرش دیگر تنها در مقطع کارشناسی محدود نشده است و ما افزایش های سرسام آور را در سال های گذشته در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری نیز شاهد بوده ایم. همین افزایش پر شمار تعداد دانشجویان دکتری در رشته های مختلف، بدون آن که به آینده شغلی آنها نگاه شود و بدون آن که سعی شود کیفیت و کمیت آموزش عالی، همگام با یکدیگر رشد کنند، باعث شده که حالا با انبوهی از دانشجویان دکتری روبه رو باشیم که شغلی برای آنها تعریف نشده است. حتی برخی از فارغ التحصیلان دکتری هم از سواد لازم برای حضور در بازار کار یا تدریس در دانشگاه ها برخوردار نیستند و صرفاً دکترای مدرک به دست هستند.



این روزها هرم آموزش عالی به شکلی درآمدی است که دیگر مدرک کاردانی و کارشناسی، آن اعتبار گذشته را ندارد و تقریباً به شکل مدرکی عمومی درآمدی است که هر کسی اراده کند، می تواند وارد دانشگاه شود و لیسانس بگیرد. شرایط طوری شده است که درس خواندن در مقاطع بالاتر دانشگاهی، برای خیلی ها بیشتر شبیه کاری شده است که هر چه باشد از بیکاری بهتر است.

یعنی خیلی از دانشجویان مقطع کارشناسی - بخصوص دانشجویان دختر - با خودشان فکر می کنند به جای آن که در خانه بنشینند و بیکار بمانند، بهتر است که حداقل تلاش کنند تا در مقطع ارشد و دکتری قبول شوند تا بتوانند با داشتن مدرک تحصیلی بالاتر، آینده شغلی بهتری داشته باشند.



## این قسوت: خانه های فحشا

به وفور در سطح کشور دیده می شود. در تهران نیز در محله هایی همچون شهرنو و لاله زار در قالب این مراکز مشغول فعالیت بودند. گردانندگان این مراکز زنان و دختران بخت برگشته را از قراء و قصبات دور افتاده و حتی شهرها یا می فریفتند و یا می ربودند و یا به شیوه های مختلف جذب می کردند و در این مکان ها در اختیار افراد خوشگذران قرار می دادند. زنانی که وارد این خانه ها می شدند پس از یک سال یا حداکثر دو سال که فرسوده می شدند و دیگر قادر به جلب مشتری نبودند توسط سردسته ها رانده شده و به کوچه پس کوچه هایی که مامن فاحشه های هروئینی و اکثراً آلوده به بیماری های مقاربتی بود پناه می بردند.

وابستگی حکومت پهلوی به دولت های غربی تنها به وابستگی های نظام حکومتی محدود نشد و سیر تحولات فرهنگی جامعه را نیز در بر گرفت و به تدریج به نشر الگو هایی در جامعه پرداخت که برای مردم ایران که با فرهنگ اسلامی درآمیخته بودند قابل هضم نبود. مانند ترویج فحشا و فساد که دیگر جزئی لاینفک از زندگی حاکمان شده بود. آمار و ارقامی که هم اکنون درباره تعداد مراکز فساد و فحشا و قمارخانه ها و کاباره ها و دیسکوه های آن زمان وجود دارد در مقایسه با سایر نهادهای فرهنگی مثل کتابخانه ها و مراکز تفریحی سالم مثل ورزشگاه ها و... آماری شگفت انگیز است. وجود دیسکوه های ارزان قیمت در نقاط مختلف شهر سبب شده بود که جوانان بسیاری در سطوح مالی مختلف وقت زیادی از روز و شب خود را در آن سپری کنند. راه اندازی این مراکز به طور رسمی به عنوان مراکز تفریحی گاه با بودجه فرهنگی و سرمایه دربار پهلوی دقیقاً محرک بیشتر فساد در جامعه جوان کشور بود. یکی از مظاهر این مراکز خانه های فحشا بود که

## عدالتخواهی، مرز بین اسلام آمریکایی و اسلام عاشورایی

از مکاتب ساخته بشر جدا میکند. این عدالت همان اساس دافعه و جاذبه ای است که محرومان را به سمت خود میکشد و بی دردی بی دردان را تحمل نمیکند. این عدالت همان مرز و تار مویی است که صراط مستقیم را از الباقی صراط ها جدا میکند. بر اساس همین بنیه فکری است که اسلام بی دردی، اسلام تبعیض یا همان اسلامی که برای ایجاد عدالت نمیجنگد را میتوان اسلام آمریکایی نام داد. این اسلام آمریکایی یعنی اسلامی که هیچ جوابی برای ظالم ندارد. بالتبع ما زیارت عاشورای آمریکایی، بسیجی آمریکایی، حزب الهی آمریکایی و دعای کمیل آمریکایی هم داریم. من نمیدانم دعای کمیلی که به اقتدای حضرت علی نباشد میخواهد چه دردی از ما دوا کند. من نمیدانم گریه ای که برای مصائب امام حسین باشد ولی به اقتدای حضرت نباشد چگونه ممکن است آدم سازی بکند؟ کجای تاریخ، کدام پیامبر این گونه انسان سازی کرده؟ همان زمانی که امام حسین در قتلگاه به خون میغلطید، خیلی از مسلمانان آمریکایی آن زمان در حال راز و نیاز با خدا بودند. و این تاریخ همان طور تکرار شونده جلو آمده تا وقت به آزمایش ما رسیده (اگر ظلم ظالم مختص به یک زمان خاص است، کربلا هم همینطور است). حال ما بیاییم ریشو ترین و اسلامی ترین فرد دانشگاهمان هم باشیم، اگر عاشورایی نباشیم (آمریکایی هستیم) اگر به دنبال برقراری عدالت نباشیم یعنی عمل ما معلوم نباشد که در کدام طرف همان تار مویی که قبلاً اشاره کردم قرار دارد، پس چه فایده؟



آن جایی که مکاتب نقش ابزار را در زندگی بشر ایفا میکنند، اساس ماندگاری هر مکتب و ایدئولوژی، پویایی و کارآمدی آن است. تقریباً ۱۴۰۰ سال است که اسلام محمدی (ص) پایه گزاری شده و علیرغم تمام دشمنی های هابی که از همان اوان (ماقبل هجرت) شروع شروع شده و هنوز هم ادامه دارد و غلط کاری ها و اشتباه کاری های

امت اسلام، توانسته نفس بکشد. اساساً مکاتب پویا آنهایی هستند که توانسته اند نیاز جوامع بشری را تامین کنند و آنگاه که نتوانسته اند حذف شده اند. من در این مقاله ی کوچک میخواهم اصلی ترین دلیل ماندگاری و مهمتر از آن پیدایش اسلام را بررسی کنم. مبنای وجودی تمام ادیان آسمانی و بالتبع فلسفه ی تمای بعثت ها برای بسط توحید بوده است. ولی چون زمینه ی رشد توحید وجود نداشته، اولین قدم انبیا زمینه سازی بوده است. این زمینه سازی همان هموار کردن و بستر سازی برای رشد درخت توحید است و بر همین اساس تمامی انبیا به دنبال برقراری قسط و عدل برآمده اند و به جرئت میتوان مدعی بود که عمر انبیا به برقراری عدالت گذشته و آنگاه که اثرات عدالت در جامعه ای پدیدار گشته، آن جامعه به سمت توحید قدم برداشته است. بله؛ این همان اختلاف فازی است که مکاتب روحانی را

### انتقادات، پیشنهادات و دعوت به همکاری:

نشریه دانشجویی مستضعفین یک نشریه مستقل دانشجویی است که با فعالیت هفت ساله اش در دانشگاه شاهرود از فعال ترین و با سابقه ترین نشریات دانشگاه محسوب می شود. اگر علاقه مند به ارائه مقاله و نوشته ی مرتبط، انتقاد، پیشنهاد و یا سایر همکاری ها هستید می توانید از طریق پل های ارتباطی زیر با ما تماس بگیرید.

شماره تلفن: ۰۹۱۶۸۱۲۲۰۵۵

ایمیل: mostazafinmagshahrood@gmail.com



همکاران این شماره

آقایان: آذری، اسدی، دهستانی

خانم ها: سلطانی، بابا

صاحب امتیاز: مدیر مسئول و سر دبیر: بوربوری

صفحه آرا: بوربوری

دبیر تحریریه: ناصری

هیئت تحریریه: ملا اسماعیلی، ناصری، ابتهاج، بوربوری